

نوع مقاله: پژوهشی

مصائب مسیح

khshirkhodae@gmail.com

انسیبه شیرخدائی / دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی

ابوالفضل محمودی / دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
 طاهره حاج ابراهیمی / دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
 دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

چکیده

مصائب و رنج در سنت مسیحی، اصطلاحی است که به رنج باطنی، الم جسمی یا مصائب مسیح در هفته آخر حیاتش و همچنین به کل آیین رستاخیز وی اطلاق می‌شود. Passion اولین اصطلاحی است که در قرن دوم در متون مسیحی به‌طور دقیق برای شرح رنج‌ها و مصائب مسیح به‌کار رفته است. این واژه کاربردهای متعددی دارد و امروزه برای شرح روایت شهدای مسیحی نیز به‌کار می‌رود. رنج یکی از چالش‌های مهم نوع بشر است؛ و برای فرد مذهبی، رنج زبان‌گویای رابطه فرد با خداوند است. هرچه رنج عمیق‌تر باشد، ارتباط فرد با خدا نزدیک‌تر خواهد بود. این رابطه چنان‌قرین رنج است که بی‌رنجی به‌معنای غیرمذهبی بودن تلقی می‌شود. بدین ترتیب، اقتدای مؤمن مسیحی به عیسی مسیح از بنیادی‌ترین اصول در آموزه رنج مسیحی است. به‌نظر می‌رسد که یکی از عوامل نجات و رستگاری در این سنت دینی، تمرکز، تأمل و تأسی بر رنج عیسی مسیح است. در این جستار سعی شده است تا مقوله رنج و مصائب عیسی مسیح در مسیحیت بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: رنج، عیسی مسیح، صلیب، هفته مقدس، تاج خار.

۱. رنج

رنج (Passion) از کلمه لاتین گرفته شده است که دارای معنای مختلفی است. معنای متعارف آن، تحریک یا بهیجان آوردن عواطف است. رنج در این معنا، گاه به شهوت و رنج حاصله از آن اشاره دارد که در آیات چندی از کتاب مقدس بیان شده است (قرنتیان ۷: ۹؛ تسالونیکیان ۴: ۵) و گاه به معنای برخی چیزهای رنج‌آور یا تن دادن به آنهاست. این واژه همچنین برای اشاره به رنج و مرگ مسیح به کار برده شده است (دبلیو، ام، ۱۹۸۵، ص ۸۱۰). به لحاظ ریشه‌شناسی، مفهوم آن به رنج جسمانی و به‌طور ویژه به شکنجه و عذاب عیسی مسیح و بعدها مسیحیان اولیه مربوط می‌شود. در میان ایشان این کلمه به‌طور مکرر برای اشاره به مصائب مسیح به کار رفت (والاس، ۲۰۰۳، ج ۱۰، ص ۹۱۹، ۹۲۰). رنج در سنت مسیحی اصطلاحی است که به رنج باطنی، الم جسمی یا مصائب مسیح در هفته آخر حیاتش (از شام آخر تا مصلوب شدن) و همچنین به کل آیین رستاخیز وی اطلاق می‌شود (دان، ۲۰۰۳، ج ۱۰، ص ۹۲۴؛ کراس، ۱۹۹۷، ص ۱۱۲۸). این واژه کاربردهای متعددی دارد و امروزه برای شرح روایت شهادی مسیحی نیز به کار می‌رود. به‌طور اساسی واژه Passio شرح گزارش رنج یک شهید است که به‌واسطه یکی از صاحب‌منصبان مسیحی هم‌عصر حاضر آن شهید نوشته شده است و مبتنی بر شهادت شاهدان عینی است؛ همچون گزارش پولس قدیس از ماجرای شهادت/ستیفان (ر.ک: اعمال رسولان ۷: ۵۶-۶۰) یا مصائب و رنج پولس (ر.ک: قرنتیان ۱۱: ۲۳-۳۳) که به این مکتوبات «رنج‌نامه» یا «مصیبت‌نامه» نیز می‌گویند (مورفی، ۲۰۰۳، ص ۹۱۹). امروزه عبارت روایت رنج (Passion Narrative) اغلب برای گزارش رنج و مصائب به کار برده می‌شود و نقل روایت رنج مسیح (دستگیری، محاکمه و مصلوب شدن او) در چهار انجیل (ر.ک: متی ۲۶، ۲۷؛ مرقس ۱۰: ۱۴-۱۵؛ لوقا ۲۲، ۲۳؛ یوحنا ۱۷، ۱۸، ۱۹) به‌صورت مشروح بیان شده است (دبلیو، ام، ۱۹۸۵، ص ۸۱۰؛ اینس، ۲۰۰۷، ص ۲۰۴).

۲. علل رنج در مسیحیت

رنج یکی از چالش‌های مهم بشر است؛ حتی کسانی که در مقایسه با دیگران رنج کمتری متحمل می‌شوند، پیوسته با رنج دیگران روبه‌رو هستند؛ مثل رنج‌های بدنی، یأس، افسردگی، انزوا، بحران روحی، ترس و... یا رخ دادن سختی‌ها برای انسان‌های مذهبی و پاک. به‌یقین اقوام مقدس با حضور رنج در زندگی خود، تلاش می‌کنند تا راهایی را برای درک و روبه‌رو شدن با رنج جست‌وجو کنند. این متضمن آن است که هم به قدرت خداوند و هم به خیر مطلق بودن او باور داشته باشند. علل رنج را می‌توان در چندین مورد شرح داد:

اولین دیدگاه در علت رنج، گناه فردی یا اجتماعی است. در دیدگاه برخی از یهودیان، علت رنج گناه فردی یعنی آدم و حوا می‌باشد که به موجب آن، مرگ و رنج را برای نوع بشر به ارمغان آورد (مانند زحمت حمل برای حوا، کار و زحمت بر روی زمین برای آدم) و گناه فردی و اجتماعی نوع بشر در زندگی روزانه خویش؛ اما از دید مسیحیان، گناه آدم و حوا موجب آلودگی همه انسان‌ها از راه توارث است. بدین ترتیب، گاه رنج به‌عنوان نتیجه گناه

انسان نخستین در نظر گرفته می‌شود. این گفته که «رنج گناه طبیعت انسانی است»، در ابتدای فصل سوم کتاب پیدایش آمده است: «... دنیا بر آن بود که مکان خوبی باشد؛ اما با سرپیچی آدم و حوا رنج وارد دنیا شد» (پیدایش ۳: ۱۷-۲۰). همچنین در کتاب دوم پادشاهان و کتاب حزقیال می‌خوانیم: اسرائیل چون اوامر خداوند را رها کرد، خداوند ایشان را در عوض از حضور خود دور انداخت و اسیر آشوریان نمود (ر.ک: پادشاهان ۱۷: ۱۸؛ حزقیال ۱۸).

در دومین دیدگاه، علت رنج هرگز خدا و طبیعت انسانی نیست؛ بلکه نیروهای مافوق طبیعی شر هستند که مخالف با خدا و انسان‌ها. در **عهد عتیق** هرگز از این نیروهای شر با نام دیو یاد نشده است؛ اما از **لوسیفر** به‌عنوان موجودی تشخیص‌یافته با نام مار و شیطان یاد می‌شود (پیدایش ۳: ۱، ۱۵؛ ایوب ۱ و ۲: ۷؛ ۱۲: ۲۶؛ ۱۳: ۱؛ ۱؛ تواریح ۲۱: ۱؛ زکریا ۳: ۱-۲؛ اشعیا ۲۷: ۱؛ ۵۱: ۹، ۱۰). در کتاب‌های دیگر **عهد عتیق** به یک موجود عظیم‌الجثه دریایی که مظهر قدرت‌های شر و مافوق بشری است، اشاره می‌شود. در **عهد جدید** رنج انسان اغلب با حضور دیوها (لوقا ۹: ۳۸-۳۹، ۴۲)، روح خبیث و ارواح شریر (اعمال رسولان ۱۹: ۱۱-۱۳، ۱۶)، شیطان (لوقا ۱۳: ۱۶) و ابلیس (اعمال رسولان ۱۰: ۳۸) است که موجب رنج فیزیکی و روحانی می‌شوند و این امر ناشی از گناه انسان یا اجرای عدالت خداوند است. همچنین در بخش‌های دیگر **عهد جدید**، به‌خصوص کتاب مکاشفه (باب ۹) آمده است، خداوند کسی است که این دنیا را آفریده و برای آن تحول و دگرگونی را وضع کرده است. در چنین دنیایی شر رشد می‌کند و نیروهای آن بر دنیا ناظر هستند و هرچه به زمان پایانی نزدیک می‌شویم، سیطره نیروی شر بر دنیا بیشتر می‌شود. در این دوران، همهٔ ابنای بشر دچار رنج و مصیبت عظیم خواهند شد (متی ۲۴: ۲۱؛ دانیال ۱: ۱۲؛ مرقس ۱۳: ۱۹).

دیدگاه سوم، امتحان از سوی خداوند است؛ یعنی خداوند انسان‌ها را به‌واسطهٔ الم و رنج‌هایشان می‌آزماید؛ اینکه آیا انسان به خدا با ایمان می‌ماند یا خیر؟ (همان، ص ۱۶۴-۱۶۸، ۱۷۲). در حقیقت، رنج، آزمایش و هدایت به خوبی‌های بزرگ‌تر، خیر و برکت است. برای نمونه، رنج ابراهیم در قربانی فرزندش، رنج یوسف از ناحیهٔ برادرانش (پیدایش ۵۰: ۱۵-۲۱)، مصائب ایوب (کتاب ایوب)، وسوسهٔ عیسی از سوی شیطان (لوقا ۴: ۴؛ متی ۴: ۱-۱۱؛ مرقس ۱: ۱۲، ۱۳) (دی.جی.اس، ۱۹۸۵، ص ۱۰۶۹).

۳. رنج در کتاب مقدس

مصائب مسیح از اعتقادات اصلی و کانونی مسیحیت است. روایت رنج عیسی مسیح در آیات چندی از **کتاب مقدس**، به‌ویژه اناجیل اربعه (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) و کتاب **اعمال رسولان** (اعمال رسولان ۲: ۳) ذکر شده است. رنج مسیح شامل بخش‌هایی است که عبارت‌اند از (لوقا ۲۲، ۲۳؛ مرقس ۱۴، ۱۵؛ یوحنا ۱۳؛ متی ۲۶، ۲۷):

الف) بخش باستانی که اساس مشترک داستان رنج پیر صومعه یا مسیح در چهار انجیل است؛ ب) توسعهٔ سنت اناجیل دربارهٔ این رنج؛ ج) خصوصیت رنج در داستان‌های این چهار کتاب قانونی است (جادج، ۲۰۰۳، ج ۱۰، ص ۹۲۰؛ دلیو، ۱۹۸۵، ص ۸۱۰؛ پی.پی.دی. اس، ۱۹۸۵، ص ۱۱۷۴، ۱۱۷۵؛ رس، ۱۹۹۶، ص ۴۶ و ۴۷).

شرح مصیبت عیسی مسیح در اناجیل هم‌نظیر (Synoptic) شبیه به هم است؛ اما در *انجیل یوحنا* دارای اضافاتی است. از نظر مسیحیت، حداقل سه پیام در *عهد عتیق* به پیشگویی دربارهٔ رنج مسیح اختصاص دارد. اولین و بدیهی‌ترین آن پیام‌ها، در کتاب اشعیا نقل است: «او خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غم‌ها و رنج‌دیده؛ مثل کسی که روی‌ها را از او بپوشانند... او زحمت کشیده و مضروب... او تواضع نموده و همچون بره‌ای که برای ذبح می‌برند، بی‌زبان است...» (اشعیا ۵۲: ۱۳؛ ۵۳: ۲-۱۲). دومین مورد، کتاب *مزامیر* (۲۲؛ ۳۴؛ ۱۸-۲۲؛ ۶۹: ۲۱) و آخرین مورد، کتاب *زکریا* (۱۲: ۱۰) و کتاب *حکمت سلیمان* (۲: ۱۲-۲۰) می‌باشد.

حکایت رنج (متی ۲۶: ۳-۵، ۴۸، ۶۷، ۲۷؛ مرقس ۸: ۳۱، ۱۴؛ لوقا ۱۷: ۲۵؛ ۲۲: ۵-۲، ۵۲، ۶۳-۶۵؛ ۲۳: ۸-۱۲؛ یوحنا ۱۸: ۳، ۱۹، ۲۲-۲۷، ۶۳-۶۷؛ عبرانیان ۹: ۲۶) عیسی مسیح، با داخل شدن وی در اورشلیم یعنی در یکشنبه نخل‌ریزان یا عید فصح آغاز می‌شود و شامل مراحل ذیل است: پاک‌سازی معبد، شام آخر، شستن پاهای شاگردان، سكرات موت یا رنج در جتسیمانی، تسلیم کردنش توسط یهودای اسخریوطی، آزمایش مسیح قبل از اعمال قدرت یهود و روم بر وی (مرقس ۱۲: ۱۳-۱۷)، دستگیری مسیح توسط رومیان (متی ۲۶: ۳-۵، ۴۸، ۶۷؛ مرقس ۱۴: ۴۳-۵۲؛ لوقا ۲۲: ۴۷؛ یوحنا ۱۸: ۱-۱۱)، تازیانه زدن بر وی (مرقس ۱۵: ۱۹)، گذاشتن تاج خار بر سرش (مرقس ۱۵: ۱۷)، آب دهان انداختن بر وی (مرقس ۱۵: ۱۹)، حمل صلیب و بردنش به جلجتا (متی ۲۷: ۳۲-۳۴؛ مرقس ۱۵: ۲۱-۲۴؛ یوحنا ۱۹: ۱۷)، درد و رنج فراوان (لوقا ۱۷: ۲۵)، استهزا نمودن وی (لوقا ۲۲: ۶۳؛ ۲۳: ۳۶)، تقسیم لباس (لوقا ۲۳: ۳۴)، نیزه زدن (یوحنا ۱۹: ۳۴)، مصلوب کردن همراه با دو دزد (مرقس ۱۵: ۲۷)، درحالی‌که او قدوس بود (ویلکینسون، ۲۰۰۴، ص ۱۹۳؛ دسیلوا، بی‌تا، ص ۴۱-۴۳؛ آرتور، ۱۹۱۶، ج ۱، ص ۱۱۸۶-۱۱۸۹؛ رس، ۱۹۹۶، ص ۴۷-۴۹).

۴. یادبود رنج

۴-۱. هفتهٔ رنج

هفتهٔ رنج (Good/ Great/ Holy/ Passion Week) هفتهٔ پیش از عید پاک است؛ یعنی هفتهٔ میان یکشنبهٔ نخل‌ریزان (روز ورود عیسی مسیح به اورشلیم، عید فصح) (ام. کام، ۱۹۸۵، ص ۷۰۲) و یکشنبهٔ عید پاک (زمان اینار و فداکاری و رنج بردن مسیح) را گویند، که «رنج خداوند ما عیسی مسیح» (Our Lords Passion) یا «رنج بر صلیب» (Suffring on the Cross) نیز خوانده می‌شود. در ابتدا، این هفته با نام‌هایی چون «هفتهٔ دینی» یا «هفتهٔ عبادت» (Hebdomasagna) خوانده می‌شد (گاردنر، ۲۰۱۱، ص ۲۶۴۲، ۲۶۴۳).

در کتب قانونی رومی و یونانی، این هفته با نام «هفتهٔ بزرگ» عنوان شده است؛ زیرا زحمات بزرگی برای خداوند در طول این هفته رخ می‌دهد. نام «هفتهٔ خوب یا مقدس» در قرن چهارم توسط *آتاناسیوس* (Athanasius) اسقف اسکندریه، و *ایپفانیوس* (Epiphanius) اسقف قسطنطنیه به کار رفت. در ابتدا تنها روزهای جمعه و شنبه

به‌عنوان روزهای مقدس بودند. روز جمعه در واقع به یادبود روز مصلوب شدن عیسی مسیح در نظر گرفته می‌شد (دی.ای.دی، ۱۹۹۷، ص ۳۸۴). مهم‌ترین حکایت رنج که طی هفته مقدس خوانده می‌شود، جمعه پاک است. در کلیسای کاتولیک روم یک صلیب بزرگ از مصلوب شدن مسیح ساخته شد؛ به طوری که همه کلیساها و هر مؤمن مسیحی به آن ادای احترام می‌کردند و آن را مقدس می‌شمردند. رویداد ایثار و رنج مسیح، به تدریج در گذر زمان در قالب تمثال و نماد انسانی که بر روی صلیب متحمل رنج و شکنجه شد، اساس تزئینات محراب کلیساها قرار گرفت. در زیر محراب کلیساها حفره‌هایی بود که اجساد شکنجه‌شده شهدای مسیحی یا قسمت‌هایی از آن یا اجساد قدیسی در آنجا دفن می‌شدند و این برای تقدیس محراب در همه کلیساها ضروری بود (کرس، ۱۹۹۷، ص ۴۶). در هر کلیسا کشیش بخشی از حکایات رنج مسیح را می‌خواند. چنان که گزارش‌هایی از قرن چهارم وجود دارند که از زیارت آثار برجای‌مانده از رنج مسیح در جمعه پاک و همچنین خواندن درد و رنج وی در جستیمانی از روی اناجیل در طول هفته مقدس و پرستش صلیب حکایت دارد (مد، ۲۰۰۳، ص ۹۲۵). به تدریج روز چهارشنبه نیز به‌عنوان روزی که مسیح در آن داوری شد، بر آنها افزوده گردید و بعدها روزهای دیگر هفته به آن ضمیمه گشت تا هفته مقدس به شکل امروزی درآمد. این هفته همراه با موسم روزه مصیبت بزرگ است (دبلیو، ام، ۱۹۸۵، ص ۸۱۰) که بعدها با اصلاحات شورای واتیکان دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) دوره روزه مسیحی ساده‌تر شد. امروزه کلیساهای مسیحی مراسم بزرگی را به مناسبت هفته رنج مسیح برگزار می‌کنند و روز مصلوب شدن مسیح را به یاد رنج و مصائب او روزه می‌گیرند (اینس، ۲۰۰۷، ص ۱۱۸). تمام رویدادهایی که در هفته رنج (از روز یکشنبه، روز نخل‌ریزان تا یکشنبه عید پاک) انجام می‌شود، در اناجیل به‌صراحت آمده است (وبستر، ۱۹۹۹، ص ۴۷۰).

۲-۴. مصلوب شدن (Crucifixion)

منابع رومی بر این موضوع دلالت دارند که مصلوب کردن یک شیوه متداول اعدام بود و برای شورشیان و یاغیان سیاسی به کار می‌رفت. رومی‌ها از مصلوب کردن به‌عنوان یک عبرت و مانع برضد مقاومت سیاسی بهره می‌جستند. پیش از مسیح، مصلوب شدن بدترین و قبیح‌ترین نمونه مرگ بود و مصلوب را ملعون می‌دانستند و این عمل به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شد. صلیب را داخل زمین فرو می‌کردند؛ به طوری که پاهای شخص مصلوب بر زمین قرار نگیرد. وی را برهنه می‌کردند و لباس‌هایش را بین خود تقسیم می‌نمودند و هر دست را بر یک سر چوب صلیب با میخ می‌کوبیدند و پاها را با هم بر چوب عمودی صلیب میخ می‌کردند تا فرد مصلوب قادر به هیچ گونه حرکتی نباشد. چهار نفر هم‌نگهبان این شخص بودند. گناه فرد را بر روی لوحی می‌نوشتند و بر بالای سرش نصب می‌نمودند؛ سپس شخص را رها می‌کردند تا بر صلیب جان دهد. برای تسریع در مرگش، گاه بر پایین صلیب آتش می‌افروختند و گاه ساق پای او را می‌شکستند تا بر اثر خونریزی جان دهد یا او را زیر آفتاب از صبح تا شب قرار می‌دادند تا به تدریج بمیرد. البته گاهی اوقات فرد مصلوب تا سه روز بر روی صلیب زنده می‌ماند (فلین، ۲۰۰۷، ص ۲۰۹-۲۱۲). صلیب‌ها از جنس چوب و در اشکال مختلف بودند.

در مسیحیت بازآفرینی زخم‌های جسمانی مسیح در بدن انسان را «زخم میخ یا میخ» گویند و در عرفان مسیحی به معنای نشانه‌هایی بر بدن، زخم و داغ نهادن یا رنج‌های مصلوب شدن مسیح است و همگی آنها اغلب برای همدردی با مسیح به کار می‌روند (وبستر، ۱۹۹۹، ص ۱۰۲۷؛ کروس، ۱۹۹۷، ص ۱۵۴۴). این زخم‌ها شامل زخم‌هایی بر روی سر (تاج خار)، زخم پشت (شلاق زدن)، زخم اطراف بدن (نیزه زدن) و زخم‌هایی بر روی دست و پا هستند (اینس، ۲۰۰۷، ص ۲۶۳؛ فلین، ۲۰۰۷، ص ۵۸۱).

بعد از رنج عیسی مسیح، حکایت وجود زخم میخ در بدن برخی از قدیسان گزارش شده است. برای نمونه، این جراحات در بدن قدیس پولس و قدیس فرانسیس آسیزی (St. Francis Assisi/ 1224) دیده شده است. پولس در رساله غلاطیان (۶: ۱۷) اذعان داشته است: «بعد از این هیچ کس مرا زحمت نرساند؛ زیرا که من در بدن خود داغ‌های خداوند عیسی را دارم». گفته پولس به دو گونه تفسیر شده است. برخی آن را همان زخم میخ می‌پندارند و گروهی دیگر از آن به رنج‌های دیگر تعبیر می‌کنند (فلین، ۲۰۰۷، ص ۵۸۱).

بنا بر آنچه درباره قدیس آسیزی گفته‌اند، وی وقتی روی کوه آلورنا دعا می‌کرد، رؤیایی از مصلوب شدن مسیح و پنج زخمی که در بدن عیسی مسیح بود، دید و پس از آن در طول دو سال آخر حیاتش هر پنج زخم در او پدید آمد (لین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰). نه تنها جراحات در دست و پا، بلکه به نظر می‌رسد که تمام جراحاتش با میخ‌هایی سوراخ شده بود و این زخم‌ها آن قدر بزرگ بودند که انگشت به راحتی می‌توانست داخل آن شود. تجربه قدیس آسیزی در انتها درجه خود بود (اینس، ۲۰۰۷، ص ۲۶۳؛ فلین، ۲۰۰۷، ص ۵۸۱). در سال ۱۲۵۹م *بونواتورا* درباره زخم میخ در بدن فرانسیس تأمل و تعمق نمود و بر آن شد تا اثری به نام *هجرت روح به سوی خدا* را به نگارش درآورد (لین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵). در قرون بعدی نیز زخم‌های میخ در افراد معروف دیگری گزارش شده است. شماری از موارد زخم میخ در قرن نوزدهم و بیستم نیز ثبت شده‌اند. مهم‌ترین آنها جراحات در بدن زنی به نام *کاترین امریچ* (۱۷۷۴-۱۸۲۴) (Catherine Emmerich) یک قدیسه آگوستینی آلمانی‌الاصل بود. زخم میخ او در سال ۱۸۱۲م در طی جذبه روحانی‌اش ایجاد شد. او بعدها مرگ عظیم یا هفتتة آخر زندگی مسیح را توصیف کرد و به نظر می‌رسد که گزارش او باید بعداً جمع‌آوری و منتشر شده باشد. گفتار وی یک قرائت مشهور برای دینداران کاتولیک و اساس فیلم *مل گیسون* (Mel Gibson) بوده است. مورد دیگر، زخم‌های مشهور قدیس *پادریو* (۱۸۸۷-۱۹۹۸) (St. Padre Pio) یک راهب ایتالیایی است که در سپتامبر ۱۹۱۸م جراحاتی بر بدنش در رؤیای ملاقات با عیسی مسیح به وجود آمد. در این تجربه، دست، پاها و اطراف بدنش دچار خونریزی شدند؛ اما اندکی پیش از مرگ به‌طور ناگهانی این جراحات در بدن وی از بین رفتند (فلین، ۲۰۰۷، ص ۵۸۲). از نظر مسیحیان، بنا بر آزمایش‌های پیشرفته در هیپنوتیزم و روان‌شناسی ثابت شده است که هیچ چیز وهمی و اغراق‌آمیز در ثبت چنین پدیده‌هایی وجود ندارد (اینس، ۲۰۰۷، ص ۲۶۳). در مسیحیت فرقه‌ای به نام «تجمن عیسی» وجود دارد که در آن فرد سالک در هفتتة سوم تمرینات خود، درباره بر رنج‌ها و مصائب مسیح به هنگام دستگیری و مصلوب شدن، به تفکر و تأمل می‌پردازد (لین، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹).

۵. پیام رنج

در انجیل آمده است که مسیح با رنج خویش و از طریق رنج، اطاعت را آموزش داد (عبرانیان ۲: ۱۰-۱۸؛ ۵: ۸۹). او به واسطه رنج، کامل گردید و روح حیات بخش شد (داگلاس، ۲۰۰۲، ص ۱۰۹)؛ درحالی که اناجیل بر بی گناهی وی شهادت می دهند؛ یعنی با اینکه او قدوس و معصوم بود، رنج بسیار برد تا گناهکاران را رهایی بخشد. او در عین قدوسیت، به طور حقیقی یک انسان با همه ابتلائات جسمانی بود (متی ۱۷: ۱۲؛ ۲۱: ۱۸؛ مرقس ۳: ۵). از مردم رنج کشید؛ اما قلبش در محبت به خدا کامل بود و با محبت عمل می کرد. «مسیح برای ما رنج کشید... هیچ گناه نکرد و مکر در زبانش نبود» (پطرس ۲: ۲۱، ۲۲). او آنانی را که از ترس مرگ تمام عمر خود را گرفتار بندگی بودند، آزاد کرد. از این جهت می بایست در هر امر مشابه برادران خود شود تا کفاره گناهان قوم را بپردازد؛ چراکه عذاب کشیده و تجربه دیده استطاعت دارد که تجربه کنندگان را استعانت کند. همچنین جمیع انبیا بر او شهادت می دهند که هر کس به وی ایمان آورد، آموزش گناهان را خواهد یافت (پیپر، ۲۰۰۴، ص ۲۴). در واقع، مسیح شریک رنج های ما شد و ما در پیروزی او سهیم شدیم. اگر او حقیقتاً رنج نمی کشید، هیچ فیضی هم وجود نمی داشت (بتسون، ۱۹۸۲، ص ۸۹ و ۹۰). از این رو برخی از مسیحیان با توجه به آیه بیست و هشتم باب نهم رساله عبرانیان که چنین آمده است: «مسیح نیز چون یکبار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات» و بنا بر نظریه محبت خداوند، معتقدند که مرگ مسیح تنها نتیجه طبیعی انسان شدن او بود و عیسی مسیح تنها به واسطه گناهان مخلوقات رنج کشید. محبت خدا که در مجسم شدن مسیح و رنج ها و مرگ او ظاهر شد، برای این بود که قلب انسان را نرم کند و او را به توبه وادارد (تیسن، بی تا، ص ۲۲؛ ر.ک: اشعیا ۵۳: ۱۲)؛ و مسیح انسان ها را چنان توانی بخشید که بتوانند از شکاف جدایی انداز میان خدا و انسان بگذرند (آرمسترانگ، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱).

۶. رنج نامه

بر اساس آنچه تبیین شد، رنج و مصائب عیسی مسیح در گذر زمان تأثیرات ژرفی را در مسیحیت و به خصوص زندگی قدیسان نهاد و به تبع آن، رنج نامه های مختلفی درباره رنج ها، شکنجه ها و مصلوب شدن شهدای مسیحی تدوین شد. این رنج نامه های مسیحی به دو دسته تقسیم می شوند. قسم اول آن به بخشی از عناصر معجزه آسا محدود می شود؛ همانند گزارش شکنجه و شهادت قدیس پولی کارپ (Polycarp) و مصیبت نامه قدیسانی چون پربتوا (Perpetua) و فلیسیتاس (Felicitas) یا رنج نامه شهدای اسکیلیتین (Scillitan) (ر.ک: وورست، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸-۱۳۲) و نویسندگان بعدها این گونه روایات را با اتفاقات خیالی و معجزه آسا یا آزمون های اقناع کننده عامه پسند تقویت کردند؛ برای نمونه، رنج نامه های مربوط به هیپولیتوس (Hippolytus)، سباستین (Sebastian) و... چنین اند.

قسم دوم رنج‌نامه‌ها از قرن پنجم به بعد کاملاً شرح اساطیری زندگی یا مرگ یک شهید یا قدیس است که به‌طور معمول چیزی بیش از یک نام و به‌طور احتمالی یک محل به‌عنوان اساس و شالوده ندارد؛ مانند رنج‌نامه قدیسه کاترین (Chatherin) اسکندرنی و قدیس جورجی (George) که بدون شالوده تاریخ‌شناختی‌اند. این رنج‌نامه‌ها که مربوط به اعمال شهیدانند، از رنج‌نامه‌های نوع اول معتبرترند؛ زیرا عمل درست یک شهید را به‌طور برجسته نشان می‌دهند. این گزارش‌ها، گزارش‌های تندنویسی‌شده یک صاحب‌منصب از رنج و مرگ یک شهید است که تنها تعداد اندکی از آنها برجای مانده‌اند. این رنج‌نامه‌ها از سوی مدافعان به‌عنوان دلیلی بر حقانیت اصل الهی دین مسیحیت به کار می‌روند؛ اما به‌طور خاص کاربرد ویژه آنها ترغیب مسیحیان به پاکدامنی و سرمشق گرفتن از شهداست (مورفی، ۲۰۰۳، ج ۱، ص ۹۱۹). از شهدای مسیحی می‌توان به قدیس *استیفان* (St. Stephen) و قدیس جیمز (St. James) به‌عنوان اولین افراد از شهدای افتخارآمیز مسیحی اشاره کرد (فلین، ۲۰۰۷، ص ۵۸۰-۵۸۱). قدیس *استیفان* از نخستین رهبران کلیسای اورشلیم بود و ایمانی راسخ و پر از روح داشت که برای ایمان راستینش به عیسی مسیح رنج و آزار دید و سنگسار شد (اعمال رسولان ۶-۸) (ای.جی.ام، ۱۹۸۵، ص ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵). از مهم‌ترین شهدای مسیحی، قدیس *پطرس* و قدیس *پولس* بودند که هر دو در روم آرمیده‌اند. همه شهدای مسیحی با مرگ و شهادت خود وفاداری‌شان را به عیسی مسیح نشان می‌دهند (وبستر، ۱۹۹۹، ص ۶۹۵؛ سفر، ۲۰۰۶، ص ۶۹۵؛ دلیو، ۱۹۸۵، ص ۶۵۷).

۷. مکتب رنج

مکتب رنج فرقه‌ای است که با هدف احیای خاطره رنج عیسی مسیح در جامعه کاتولیک به‌وجود آمد. این فرقه به‌وسیله قدیس *پل فرانسیس دنیو* (St. Paul Francis Daneo) پایه‌گذاری شد. وی در شمال ارن ایتالیا تولد یافت و رشد پیدا کرد. بنا بر ادعای *فرانسیس*، وی در یک الهام مستقیماً از عیسی مسیح فرمان تأسیس فرقه رنج را دریافت نمود. وی قانون این فرقه را خود تدوین کرد. قانون و شکل زندگی فرانسیسکن‌ها توأم با اطاعت، پاکدامنی و بدون هیچ گونه دارایی است؛ زیرا فرانسیس معتقد بود که باید با تعلیم الگوی خداوند عیسی مسیح، همچون رسولان، با فقر و تنگدستی برای خدمت به خدا زندگی کرد. وی معتقد بود، اگر روزی پولی یافتم، با آن همانند خاکی که در زیر پایم است، رفتار خواهم کرد؛ زیرا پول بی‌هوده‌ترین بی‌هودگی‌هاست (لین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰؛ کومالی و لی.جیوهوس، ۲۰۰۳، ج ۱، ص ۹۳۱).

۸. رنج از دیدگاه سورن کرکگورد

در سنت یهودی مسیحی، به‌ویژه در *کتاب مقدس* به آموزه رنج از ابعاد مختلف پرداخته شده است. در *عهد عتیق* به‌خصوص اسفار پنج گانه، رنج در قالب رابطه گناه و کیفر تبیین می‌شود. این رابطه در کتاب *یوب* با پیش کشیده شدن رنج بی‌گناهان و برخورداری گناهکاران زیر سؤال می‌رود و در *مزامیر*، *اشعیا* و *ارمیا* همین روند تداوم می‌یابد؛

اما در عهد جدید رابطه دیگری غالب می‌شود که در آن به‌جای جست‌وجوی علت رنج در گذشته فرد یا اسلاف او، به کارکرد رنج و ویژگی تعالی‌بخشی آن توجه شایانی می‌کند. سورن کرکگورد (Soren Kierkegaard) از افرادی است که از منظر مسیحیت پروتستانی به کتاب مقدس و به‌خصوص عهد جدید پرداخته است. وی مکتب فکری اگزیستانسیالیسم (Existentialism) را پایه‌گذاری کرد. او به رنج، نه به‌عنوان رابطه گناه و کیفر و نه مانع می‌نگرد؛ بلکه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های انفسی انسان به آن توجه می‌کند. آموزه رنج چنان در نظر وی اهمیت دارد که در گستره دینی آن را تعلیم‌دهنده، نشانه مسیحیت حقیقی و راه تعالی فرد می‌داند. هرچه رنج عظیم‌تر باشد، کمال نزدیک‌تر است. چنین رنجی یک‌باره حادث نمی‌شود؛ بلکه مرهون کوشش مداوم از سوی خود فرد است (کرکگورد، ۱۹۹۵، ص ۲۰۵ و ۲۰۶). برای فرد مذهبی، رنج، زبان گویای نسبت فرد با خداوند است. هرچه رنج عمیق‌تر باشد، رابطه فرد با خداوند بیشتر می‌شود. رابطه فرد با خدا چنان قرین رنج است که بی‌رنجی به‌معنای غیرمذهبی بودن تلقی می‌شود (همان، ص ۱۶۵). رنج دینی ویژگی تعالی‌بخشی، سازندگی و آموزندگی دارد که کرکگورد از آن با عنوان «مکتب رنج» یاد می‌کند (همان، ص ۱۶۵). اقتدای مؤمن مسیحی به عیسی مسیح در آموزه رنج، محوری‌ترین دغدغه کرکگورد است. نجات و رهایی تنها در سایه رنج کشیدن در خدمت به دیگران خلاصه می‌شود (کرکگورد، ۱۹۹۳، ص ۲۴۹ و ۵۰۲). بنا بر کتاب اعمال رسولان (۹: ۱۶)، پولس می‌گوید: «زیرا که من او را نشان خواهم داد که چقدر زحمت‌ها برای نام من باید کشید». پیرو حقیقی مسیح بودن، همراه با زحمات بسیار است و این پیروی جز در سایه رنج تحقق نمی‌یابد. به‌عقیده کرکگورد، پیروی از مسیح نقطه عطف مسیحیت حقیقی است. بدین ترتیب، خوشا به حال کسی که در پیروی از مسیح رنج را پذیرا می‌شود و از لذت گناه دوری می‌کند (کرکگورد، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰). پولس معتقد است که رنج خوب است، وقتی به‌طور متناسب استفاده شود. او بیان می‌کند که ما تنها به‌واسطه رنج می‌توانیم ارتباطی روحانی با خداوند بیابیم (ر.ک: تیموتائوس ۲: ۱-۳؛ ۱۳: ۳؛ ۱۲، ۱۵، ۱۶) و جلال مسیح در رنج اوست که هویدا می‌شود (لویس ویلکن، ۲۰۰۳، ص ۱۲۰، ۳۰۶).

۹. رنج در هنر مسیحی

در طی مراسم هفته رنج، انواع برنامه‌های سرود و موسیقی در کلیسا تحت عنوان مصیبت مسیح برگزار می‌شود؛ مانند: ماتم غم‌نامه پیامبر؛ هفت کلام پایانی مسیح؛ و خواندن مجموعه حکایت رنج از یکی از اناجیل. از حدود قرون هشت و نُه بود که این مصیبت‌خوانی به‌صورت آواز درآمد، و بعدها در قرن پانزدهم تعداد اندکی از سبک‌های خاص به‌وجود آمدند (Responsorial Passions, Through Compsbd Passions, Summa Passions). در قرن شانزدهم مجموعه‌هایی نظیر آنها پدید آمدند و بعدها به‌تدریج گسترش یافتند. امروزه در کلیسای کاتولیک افراد زیادی به ساختن موسیقی‌های جدید رنج پرداخته‌اند (آتن، ۱۹۱۶، ج ۱۱، ص ۱۱۷۶-۱۱۷۸). علاوه بر ساخت موسیقی‌های متنوع رنج، تألیفات و فیلم‌هایی نیز در همین زمینه ساخته شده‌اند؛ برای نمونه، فیلم مصائب عیسی مسیح (Mel Gibson, 2004, U.S.A).

مسئله رنج عیسی مسیح امری عجیب شده با فرهنگ، سنت و هنر مسیحی است و منبع اصلی آن نیز حکایت مصیبت رنج مسیح در اناجیل است (اکرلی، ۲۰۰۴، ص ۱۶۰، ۱۶۱). علاوه بر رنج مسیح، آزار و اذیت و مرگ دردناک مسیحیان اولیه و شهدا در هنر قرون آشکار است؛ مانند مصلوب شدن، پوست کندن، داغ نهادن، شلاق زدن، شکم دریدن، حمله با تیغ و نیزه، روش‌های عجیب و غریب شکنجه، و زندانی کردن (رس، ۱۹۹۶، ص ۱).

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که در مسیحیت نیز مانند همه ادیان الهی، رنج جزء جدایی‌ناپذیر اراده الهی برای رستگاری و نجات انسان‌هاست. در سنت مسیحی، رنج و ایثار مسیح برای نجات انسان و مصالحه خداوند با نوع بشر عنوان شده است؛ زیرا عیسی مسیح چون بره فصح مصلوب شدن را پذیرفت و با اینکه هرگز مرتکب گناهی نشد و قدوس بود، جان خویش را فدیۀ گناه آدم ابوالبشر قرار داد. مسیحیان نیز با تاسی و تمرکز بر مسیح و تعالیمش می‌کوشند تا با رنج کشیدن و خدمت خالصانه به او، به اتحاد الهی و رستگاری دست یابند. از این رو در هفته مقدس، مسیحیان به صورت نمادین، رنج‌نامه مسیح را به تصویر می‌کشند و این مراسم را به یاد آخرین شب حضور مسیح پیش از مرگ و رستاخیزش بزرگ می‌دارند.

البته در پایان باید خاطر نشان ساخت آنچه در ماجرای مصائب و مصلوب شدن مسیح در این جستار تبیین گردید براساس اسناد کتاب عهدجدید می‌باشد و مورد پذیرش منابع و تعالیم اسلامی نیست.

- آرمسترانگ، کرن، ۱۳۸۲، خدانشناسی از ابراهیم تاکنون، ترجمه محسن سپهر، تهران، مرکز. بتسون، هنری، ۱۹۸۲، منتخبی از نوشته‌های پدران اولیه کلیسا، ترجمه واتیکان، یونایتد پرس. تیسن، هنری، بی‌تا، الهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلیان، قم، حیات ابدی. کرگورد، سورن، ۱۳۷۴، «گزیده‌ای از یادداشت‌های واپسین سال‌ها»، ترجمه فضل‌الله پازوکی، ارغنون، ش ۵ و ۶ ص ۹۷-۱۰۷. لین، تونی، ۱۳۸۶، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسیریان، تهران، فرزانه روز. وورست، رابرت وان، ۱۳۸۵، مسیحیت لابلای متون، ترجمه عباس رسول‌زاده، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- A.J M, 1985, "eeephen", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.,
- Bart, D.Ehrman, , 2008, *Gods Problem How the Biblefails to Answer Our Most Important Question Why We Suffer*, New York, Harpercollins E-Book.
- Cro , F L , 1997, "A r", *The Oxford Dictionary of The Chrisian Church*, New York.
- _____, 1997,"ttig maaiza", *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, London, Oxford University Press.
- D.A.D. , 1985, "Good Friday", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.
- D.J. , 1985, "uuffering", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.
- Dunn, E C , 2003, " ion of Chris II", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson, vol.10.
- Ecorley, Kathleem, 2004, *Jesus and Mel Gibsons the Passion of the Christ*, U.S.A.
- Flinn, K.Frank, 2007, "Cor /Cr ifxion", *Encyclopedia of Catholicism*, J.Gordon Melton (ed.),New York, Fast on File.
- _____, 2007, " p h n", *Encyclopedia of Catholicism*, J.Gordon Melton (ed.), New York, Fast on File, Inc.
- G r d n r, Jam , 2011, "P ion W k", *Faith of the World Encyclopeadia of Religious Traditions and Practices*, London, Horos Press Limited.
- Ince, Richard, 2007, *Dictionary of Religion and Religions*, Cosmo Publication, New Delhi.
- J.Davies, Douglas, 2002, *Anthropology and Theoligy*, New York, Oxford.
- J dg , M, 2003, "Pssion of Christ", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson, vol.10.
- K O.M eeey& C.Jyuhuu , 2003, "Pssionis ", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson, vol.10.
- Kierkegaard, Soren, 1993, *Revolution and the Present Age*, New York, Princeton University Press.
- _____, 1993, *The Gosple of Suffring*, New York, Princeton University Press.

- _____, 1995, *Modernity and the Critique of Melanc Holy*, London, Ferguson.
- Louis Wilken, Robert, 2003, *The Spirit of Early Thought*, London.
- M ad, J. , 2003, "Pssion of Christ", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson, vol.10.
- Merriam-Websters, 1999, "Holy Week", *Merriam-Websters Encyclopedia of World Religions*, U.S.A, Merriam-Websters.Inc.
- _____, 1999, "Maytyr", *Merriam-Websters Encyclopedia of World Religions*, U.S.A, Merriam-Websters.Inc.
- Merriam-Websters, 1999, "Stigmata", *Merriam-Websters Encyclopedia of World Religions*, U.S.A, Merriam-Websters.Inc.
- Murphy, F.X. , 2003, "Pssion", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson, vol.10.
- Noonan, Peggy, 2008 , "*It is as It Was Mel Gibsons the Passion Gets aThumbs- up from the Pope*", U.S.A.
- Otten, Joseph, 1916, 'Pas ion M i ', *The Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann (ed.), New York, Robert Appleton, vol.11.
- .P/ D. , 1985, " ri of Juus", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.
- Piper, John, 2004, *The Jesus Christ*, U.S.A, Crossway Book.
- Ross, Leslie, 1996,"Martyrdom", *Medieval Art A Topical Dictionary*, London, Greenwood Press.
- S.Barnes, Arthur, 1916, " Passion of Jesus Christ in the Four Gospels!",*The Catholic Encyclopedia*, Charles G. Herbermann (ed.), New York, Robert Appleton, vol.11.
- Safra, Jacob.E, 2006, "Maytyr", *Britanica Encyclopedia of World Religions*, London, Encyclopedia Britanica.Inc.
- W.M, 1985, "Maytyr", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.
- _____, 1985, "Pssion", *The Harpercollins Bible Dictionary*, Paul J. Achtemeier (ed.), U.S.A, Harpercollins Publishers,Inc.
- W _____, W A, 2003, "Pssion", *New Catholic Encyclopedia*, Thomas Carson, Joann Cerrito (ed.), New York, Thomson,vol.10.
- Wilkinson, Philip & Charing, Douglas, 2004, "The Road to Calvary", *Encyclopedia of Religion*, London, D.K.